

## مقاله ۸۳

### نهاد ازدواج

این شرح مبسوط دوران اولیة نهاد ازدواج است. ازدواج از آمیزشهای هرزه و بی بند و بار عوام آغاز شده و با عبور از بسیاری تغییرات و تعدیلات مداوماً پیشرفت داشته است، حتی تا ظهور آن شاخصهای ازدواج که نهایتاً به تحقق پیوند زوجها، پیوند یک مرد و یک زن، انجامید و منزلگاهی با بالاترین مرتبت اجتماعی را به وجود آورد. ازدواج بارها در مخاطره قرار گرفته است، و آداب و رسوم ازدواج از مالکیت و مذهب، هر دو، کمک شایانی دریافت نموده‌اند. اما تأثیر واقعی که برای همیشه از ازدواج و خانواده حاصله پاسداری می‌کند این واقعیت ساده و ذاتی بیولوژیکی است که مردان و زنان قطعاً بدون یکدیگر زندگی نخواهند کرد، چه آنها بدوی‌ترین انسانهای بربری باشند یا با فرهنگ‌ترین انسانها.

به دلیل تمایل شدید جنسی است که انسان خودخواه به سوی ساختن چیزی بهتر از خویش نسبت به یک حیوان کشانیده می‌شود. رابطه خود خواهانه و خودارضا کننده جنسی پیامدهای مشخصی از فداکاری را به دنبال دارد و تقبل وظایف نوع دوستانه و مسئولیتهای بیشمار خانگی را که نژادها از آن نفع می‌برند تضمین می‌نماید. در اینجاسکس متمدن کننده مورد اذعان قرار نگرفته و غیر قابل تصور انسان بدوی بوده است. زیرا همین نیروی محرکه سکس به طور اتوماتیک و به یقین انسان را به فکر او می‌دارد و سرانجام او را به دوست داشتند هدایت می‌کند.

#### ۱- ازدواج به عنوان یک نهاد اجتماعی

ازدواج آن مکانیسم جامعه است که برای تنظیم و کنترل آن روابط فراوان بشری که از واقعیت فیزیکی دو جنسیت برخاسته طراحی شده است. به عنوان یک چنین نهادی، ازدواج در دو جهت عمل می‌کند:

- ۱- در تنظیم روابط شخصی جنسی.
- ۲- در تنظیم انتقال مالکیت، وراثت، جانشینی و نظم اجتماعی، که این یکی کارکرد قدیمی تر و اولیة آن می‌باشد.

خانواده، که از ازدواج ناشی می‌شود، خود یک تثبیت کننده نهاد ازدواج و نیز آداب و رسوم مالکیت می‌باشد. سایر عوامل مؤثر در تثبیت ازدواج، عزت نفس، غرور، جوانمردی، وظیفه‌شناسی و اعتقادات راسخ مذهبی می‌باشند. اما ضمن این که ازدواجها ممکن است در بالا مورد تأیید یا عدم تأیید قرار گیرند، در بهشت به ندرت انجام می‌شوند. خانواده بشری یک نهاد مشخصاً انسانی، یک رخداد تکاملی، می‌باشد. ازدواج یک نهاد جامعه است، نه یک بخش از سازمان مذهبی. صحیح است، مذهب باید به طور قدرتمند بر آن تأثیر بگذارد، اما نباید به طور انحصاری کنترل و تنظیم آن را به عهده گیرد.

ازدواج بدوی در درجه اول صنعتی بود، و حتی در روزگاران امروز نیز اغلب یک امر اجتماعی یا تجارتي است. از

طریق تأثیر در آمیختن تیره آندی و در نتیجه آداب و رسوم تمدن در حال پیشروی، ازدواج به کندی دارد دو طرفه، رمانتیک، پدران و مادران، شاعرانه، عاطفی، اخلاقی و حتی ایده آل می شود. با وجود این، در زناشویی بدوی، انتخاب و به اصطلاح عشق رمانتیک در کمترین حد قرار داشت. در طول روزگاران باستان زن و شوهر زیاد با هم نبودند. آنها حتی اغلب اوقات غذا هم با هم نمی خوردند. اما در میان مردم باستان، عاطفه انسانی به اندازه زیاد به جاذبه جنسی مرتبط نبود. آنها بیشتر به دلیل زندگی و کار با یکدیگر نسبت به هم علاقمند می شدند.

## ۲- خواستگاری و نامزدی

ازدواجهای بدوی همیشه به وسیله والدین پسر و دختر برنامه ریزی می شدند. مرحله گذار بین این رسم و روزگاران انتخاب آزاد به وسیله واسطه ازدواج یا دلال حرفه ای اشغال شد. این دلالت ازدواج در ابتدا آرایشگران و بعدها کاهنان بودند. ازدواج بدو یک امر گروهی و سپس یک قضیه خانوادگی بود. فقط اخیراً آن یک ماجرای فردی شده است.

ازدواج بدوی از روی اجبار بود و نه جاذبه. در روزگاران اولیه زن هیچ انزوای جنسی نداشت، فقط مطابق تلقینات آداب و رسوم از نظر جنسی پست بود. به تدریج که تجارت جای دستبرد زدن را گرفت، ازدواج از طریق قرارداد جای ازدواج از طریق اسارت را گرفت. برخی زنان در اسارت مسامحه می کردند تا بدین وسیله از تسلط مردان پیرتر قبایل خود بگریزند. آنها ترجیح می دادند به دستان مردان هم سن خود از قبيله دیگر بیفتند. این فرار دروغین با دلدار، مرحله گذار بین اسارت از طریق زور و خواستگاری متعاقب از طریق دلربایی بود.

یک نوع اولیه مراسم عروسی، پرواز ساختگی، یک نوع از تمرین فرار با دلدار بود که روزگاری یک رسم رایج بود. بعدها، اسارت مضحکه آور بخشی از مراسم معمول عروسی گشت. تظاهر یک دختر امروزی به مقاومت در برابر «اسارت»، خاموش بودن نسبت به ازدواج، همگی آثار به جا مانده از رسوم پیشین است. حمل عروس به آن سوی درگاه یادآور تعدادی از رسوم باستانی است، که در زمره سایرین، مربوط به روزگاران ربودن همسر است.

زن برای مدتهای طولانی از آزادی کامل برای تعیین سرنوشت خویش در ازدواج محروم بود. اما زنان باهوش تر همیشه قادر بوده اند از طریق به کار بردن زیرکانه زکاوت خویش از این محدودیت احتراز کنند. مرد معمولاً در خواستگاری پیشگام بوده است، اما نه همیشه. زن گاهی اوقات به طور رسمی، و نیز به طور مخفیانه، در ازدواج پای پیش نهاده است. و به تدریج با پیشرفت تمدن، زنان در کلیه مراحل خواستگاری و ازدواج نقشی فزاینده داشته اند.

مهر فزاینده، رابطه عشقی و انتخاب شخصی در دوران پیش از ازدواج یک معاضدت آندی به نژادهای دنیا است. رابطه بین جنسها به طور مطلوب در حال تکامل است. بسیاری از مردمان در حال پیشرفت به تدریج مفاهیم نسبتاً ایده آل جاذبه جنسها را جانشین آن انگیزه های قدیمی تر فایده و مالکیت می کنند. نیروی محرکه جنسی و احساسات عاطفی دارد جانشین محاسبات سرد در انتخاب شریک زندگی می شود.

نامزدی در ابتدا برابر ازدواج بود. و در میان مردمان روزگاران باستان روابط جنسی در طول مدت نامزدی عادی بود. در ایام اخیر، مذهب برای مدت زمان بین نامزدی و ازدواج یک تابوی جنسی ایجاد کرده است.

## ۳- خرید و مهریه

قدیمی ها به عشق و قول و قرار اعتماد نداشتند. آنها فکر می کردند که پیوندهای پایدار به وسیله یک تضمین قابل لمس، مالکیت، ضمانت می شود. به این دلیل، قیمت خرید یک همسر به صورت یک گرو و با وثیقه در نظر

گرفته می‌شد که شوهر در صورت طلاق یا ترک همسر ملزم به پرداخت آن می‌شد. به محض این که قیمت خرید یک عروس پرداخته می‌شد، بسیاری قبایل اجازه می‌دادند که نشان همسر روی او داغ زده شود. آفریقایها هنوز همسران خود را خریداری می‌کنند. آنها یک همسر عشقی، یا همسر یک مرد سفید پوست را با یک گربه مقایسه می‌کنند، زیرا او هیچ ارزشی ندارد.

نمایشات عروس فرصتی برای آراستن و پیراستن دختران برای نمایش عمومی، با این ایده که آنها قیمت بالاتری به عنوان همسر می‌آورند، بود. اما آنها به عنوان حیوان فروخته نمی‌شدند در میان قبایل بعد چنین همسری قابل انتقال نبود. خرید وی نیز همیشه یک معامله پولی بری از عطف نبود. در خرید یک همسر خدمت برابر با پول نقد بود. اگر یک مرد سوا از آن مطلوب نمی‌توانست بهای همسر خویش را بپردازد، می‌توانست توسط پدر دختر به فرزند خواندگی پذیرفته شود و سپس می‌توانست ازدواج کند. و اگر یک مرد فقیر جویای همسر بود و نمی‌توانست بهایی را که توسط پدر مشتاق مطالبه می‌شود پرداخت کند، ریش سفیدان اغلب پدر را تحت فشار قرار می‌دادند تا به تعدیل مطالبات او منجر شود، در غیر این صورت دختر با معشوق دست به فرار می‌زد.

با پیشرفت تمدن، پدران مایل نبودند به نظر آیند که دختران خود را می‌فروشند، و بدین ترتیب، ضمن ادامه پذیرش بهای خرید عروس، رسم دادن هدایای گرانبها به زوج را که حدوداً برابر با پول خرید بود، آغاز نمودند. و به دنبال توقف بعدی پرداخت بهای عروس، این هدایا مهریه عروس شدند.

ایده مهریه این بود که فکر استقلال عروس را القانماید، دوری از روزگاران همسران برده و یاران متعلقه را حکایت نماید. یک مرد نمی‌توانست یک زن مهریه‌دار را بدون پرداخت کامل مهریه او طلاق دهد. در میان برخی قبایل یک ودیعه متقابل نزد والدین عروس و داماد، هر دو، سپرده می‌شد که اگر هر یک از طرفین دیگری را ترک می‌کرد باید پرداخت می‌شد، در واقع یک التزام به ازدواج. در طول دوره گذار از خرید به مهریه، اگر زن خریداری می‌شد، فرزندان به پدر تعلق داشتند، در غیر این صورت، به خانواده زن متعلق بودند.

#### ۴- مراسم عروسی

مراسم عروسی از این واقعیت سرچشمه یافت که ازدواج در ابتدا یک امر مربوط به جامعه بود، نه فقط اوج تصمیم دو فرد. زناشویی هم مربوط به گروه و هم یک عملکرد شخصی بود.

جادو، آیین مذهبی و آداب و رسوم، تمامی زندگی مردم دوران باستان را احاطه کرده بود، و ازدواج نیز یک استثنا نبود. با پیشرفت تمدن، به تدریج که ازدواج به طور جدی تر مورد نگرش واقع شد، مراسم عروسی به طور فزاینده متظاهرانه گردید. ازدواج اولیه عاملی در منافع مالکیت بود، حتی همانطور که امروزه می‌باشد، و لذا نیازمند یک مراسم قانونی بود، ضمن این که وضعیت اجتماعی فرزندان آتی مستلزم گسترده‌ترین تبلیغ ممکن بود. انسان بدوی هیچ سند و مدرکی نداشت، از این رو اشخاص بسیاری باید شاهد مراسم ازدواج می‌بودند.

در ابتدا مراسم ازدواج بیشتر از نوع یک نامزدی بود و فقط شامل مطلع ساختن مردم از قصد زندگی با یکدیگر بود. بعداً شامل خوردن با هم به طور رسمی بود. در میان برخی قبایل والدین صرفاً دختر خود را نزد شوهر می‌بردند. در موارد دیگر، تنها مراسم، تبادل رسمی هدایا بود، که بعد از آن پدر عروس وی را به داماد تقدیم می‌کرد. در میان بسیاری از مردمان خاور نزدیک رسم بر این بود که ازدواج با مراسم رسمی به اجرا درآید و با روابط جنسی کامل گردد. انسان سرخ اولین انسانی بود که جشن عروسی مفصل تری را ابداع نمود.

بی‌فرزند بودن بسیار مورد ترس واقع می‌شد، و چون نازا بودن به دسیسه ارواح نسبت داده می‌شد، تلاش برای تضمین باروری همچنین به مرتبط ساختن ازدواج به مراسم جادو یا مذهبی مشخص منجر شد. و در این تلاش

برای تضمین یک ازدواج شادمان و بارور طلسم‌های بسیاری به کار گرفته می‌شدند. حتی طالع بینان مورد مشورت قرار می‌گرفتند تا از ستاره‌های تولد طرفین قرارداد اطمینان حاصل شود. روزگاری قربانی انسانی یک جنبه ثابت کلیه عروسی‌ها در میان مردم ثروتمند بود.

روزهای خجسته دنبال می‌شدند، پنجشنبه از همه بیشتر مورد توجه بود، و تصور می‌شد عروسی‌هایی که در ماه کامل جشن گرفته شوند فوق‌العاده سعادت‌مند هستند. این رسم بسیاری از مردمان خاور نزدیک بود که روی تازه عروس و تازه داماد دانه گندم بریزند. این یک آیین جادویی بود که می‌بایست باروری را تضمین نماید. برخی مردم شرقی برای این مقصود از برنج استفاده می‌کردند.

آتش و آب همیشه به عنوان بهترین وسیله مقاومت در برابر اشباح و ارواح خبیث انگاشته می‌شدند. از این رو محراب‌های آتش و شمع‌های روشن، و نیز افشاندن آب مقدس برای غسل تعمید معمولاً در عروسی‌ها به چشم می‌خوردند. برای مدتی طولانی مرسوم بود که یک روز قلابی عروسی تعیین شود و سپس به طور ناگهانی مراسم به تعویق انداخته شود، طوری که اشباح و ارواح گمراه شوند.

دست انداختن تازه عروس و تازه داماد و شوخی با آنهايي که به ماه غسل می‌رفتند همگی یادگار آن روزهای دوری است که تصور می‌شد بهتر است در نظر ارواح بدبخت و محنت زده به نظر رسید تا از برانگیختن حسادت آنها اجتناب شود. پوشیدن روبند عروسی یادگار روزگارانی است که تصور می‌شد لازم است عروس را با لباس مبدل پنهان نمود تا اشباح او را نشناسند و نیز این که زیبایی او از دیدار ارواح بدخواه و حسود مخفی بماند. پاهای عروس هرگز نباید درست پیش از مراسم زمین را لمس کنند. حتی در قرن بیستم هنوز تحت آداب و رسوم مسیحی مرسوم است که از پای پلکان کالسکه تا محراب کلیسا فرش گسترده شود.

یکی از قدیمی‌ترین اشکال مراسم عروسی این بود که یک کاهن تخت خواب عروسی را برکت دهد تا از باروری پیوند زناشویی اطمینان حاصل شود. این کار مدت‌ها پیش از این که هر آیین رسمی عروسی بنا نهاده شود انجام می‌شد. در طول این دوره از تکامل آداب و رسوم ازدواج از میهمانان عروسی انتظار می‌رفت از اتاق خواب در شب گزارش تهیه کنند و بدین ترتیب کامل شدن ازدواج را رسماً گواهی دهند.

عنصر شانس، این که به رغم تمامی آزمایشات پیش از ازدواج، برخی از ازدواج‌ها بد از آب در می‌آید، سبب شد انسان بدوی در برابر شکست ازدواج جویای بیمه ایمنی شود، منجر شد که او به دنبال کاهنان و جادو برود. و این جنبش مستقیماً به عروسی‌های امروزی کلیسایی انجامید. اما برای مدتی طولانی ازدواج به طور کلی به عنوان آنچه که شامل تصمیمات والدین قرارداد — و بعد زوج — بود شناخته می‌شد، در حالی که برای پانصد سال گذشته نهاد مذهبی و دولت صلاحیت حقوقی آن را به عهده گرفته‌اند و اکنون حکم ازدواج را صادر می‌کنند.

## ۵- ازدواج‌های جمعی

در تاریخ اولیه ازدواج زنان ازدواج نکرده به مردان قبیله تعلق داشتند. بعدها، یک زن در یک زمان فقط یک شوهر داشت. این رسم یک مرد در یک زمان اولین گام برای دور شدن از بی‌بند و باری جنسی عوام بود. در حالی که برای هر زن فقط یک مرد مجاز بود، شوهر وی می‌توانست این روابط موقت را مطابق میل خود قطع کند. اما این پیوندهایی که تحت قواعد سنت قرار داشتند اولین گام به سوی زندگی دوفره در تمایز با زندگی چند نفره بودند. در این مرحله از تکامل ازدواج فرزندان معمولاً به مادر تعلق داشتند.

گام بعدی در تکامل زناشویی ازدواج گروهی بود. این فاز اشتراکی ازدواج باید در ظهور زندگی خانوادگی به وقوع می‌پیوست زیرا آداب و رسوم ازدواج هنوز آنقدر مستحکم نبودند که پیوندهای دوتایی را دائمی سازند.

ازدواج خواهران و برادران به این گروه تعلق داشت. پنج برادر از یک خانواده با پنج خواهر از یک خانواده دیگر ازدواج می‌کردند. در سراسر دنیا اشکال ناپایدارتر ازدواج اشتراکی به تدریج به انواع گوناگون ازدواج گروهی تکامل یافت. و این پیوندهای گروهی عمدتاً به وسیله آداب و رسوم قبیله‌ای تنظیم می‌شدند. زندگی خانوادگی به کندی و با قطعیت توسعه یافت، زیرا قواعد سکس و ازدواج به بقای خود قبیله از طریق تضمین بقای تعداد بیشتری از فرزندان کمک می‌نمود.

ازدواج‌های گروهی پیش از رسوم در حال ظهور چند همسری — چند زنی و چند شوهری — در میان قبایل پیشرفته‌تر به تدریج از میان رفتند. اما چند شوهری هیچگاه عمومیت نیافت و معمولاً به ملکه‌ها و زنان ثروتمند محدود می‌شد. علاوه بر آن، این کار معمولاً یک امر خانوادگی بود، یک زن برای چند برادر. محدودیتهای طبقات ممتاز و محدودیتهای اقتصادی گاهی اوقات این را ضروری می‌ساخت که چند مرد خود را به یک زن قانع سازند. حتی در آن هنگام، زن فقط با یکی ازدواج می‌کرد، و دیگران به صورت «عموهای» مربوط به اعقاب مشترک به طور سطحی مورد مدارا قرار می‌گرفتند.

سنت یهودی که یک مرد را ملزم می‌ساخت به منظور «به وجود آوردن زاد و رود برای برادرش» با بیوه برادر فوت کرده خود ازدواج کند، رسم بیش از نیمی از دنیای باستان بود. این یادگار زمانی بود که ازدواج یک امر خانوادگی بود تا یک پیوند فردی.

سنت چند زنی در زمانهای گوناگون چهار نوع همسر را به رسمیت می‌شناخت:

۱- همسران رسمی یا قانونی.

۲- همسران متعلق به عاطفه و اجازه.

۳- همسران صیغه‌ای، قراردادی.

۴- همسران برده.

چند زنی واقعی، که مطابق آن تمامی زنان از مرتبت یکسان برخوردار باشند، و تمامی فرزندان برابر باشند بسیار نادر بوده است. معمولاً حتی با ازدواج‌های جمعی، زن اصلی، پراج‌ترین یار، بر خانه حاکم بود. مراسم تشریفاتی عروسی فقط برای او برگزار می‌شد، و فقط فرزندان چنین همسر خریداری شده یا دارای مهریه می‌توانستند از ارث برخوردار شوند، مگر با قرار خاص با پراج‌ترین همسر.

همسر پراج لزوماً همسر محبوب نبود، در روزگاران باستان معمولاً نبود. همسر محبوب، یا معشوقه، تا پیش از پیشرفت قابل ملاحظه نژادها پدیدار نگشت، به ویژه بعد از اختلاط قبایل تکاملی با نودیها و آدمیها.

همسر تابو — یک همسر برخوردار از مرتبت قانونی — آداب و رسوم زن صیغه‌ای را به وجود آورد. تحت این آداب و رسوم یک مرد می‌توانست فقط یک زن داشته باشد، اما می‌توانست با هر تعداد از زنان صیغه‌ای رابطه جنسی داشته باشد. صیغه سنگ پرش به سوی تک همسری، اولین حرکت برای دوری از چند زنی صادقانه بود. زنان صیغه‌ای یهودیان، رومی‌ها و چینی‌ها اغلب کنیزان همسر بودند. بعدها، همانطور که میان یهودیان مرسوم بود، به همسر قانونی به صورت مادر کلیه فرزندان که برای شوهر متولد شده بودند نگاه می‌شد.

تابوهای قدیمی پیرامون روابط جنسی با یک همسر باردار یا شیرده به اندازه زیاد موجب شکوفایی چند زنی شد. زنان بدوی به دلیل زایمان مکرر که با کار سخت توأم بود خیلی زود پیر می‌شدند. (این همسران گرانبها فقط به خاطر این واقعیت توانستند زنده بمانند که هنگامی که با بچه سنگین نبودند، ماهی یک هفته در انزوا گذاشته می‌شدند.) چنین همسری اغلب از زایمان خسته می‌شد و از شوهرش تقاضای کرد همسر دوم و جوانتری بگیرد، همسری که بتواند در زایمان و کار خانگی یاری رساند. از این رو همسران جدید معمولاً با شادمانی مورد خوشامد همسران قدیمی‌تر واقع می‌شدند. هیچ چیز در ردیف حسادت جنسی وجود نداشت.

تعداد همسران فقط به واسطه توان مرد در تأمین آنها محدود می‌شد. مردان ثروتمند و توانا تعداد کثیری

فرزند می‌خواستند، و چون مرگ و میر نوزادان بسیار زیاد بود، به اجتماعی از همسران نیاز بود که یک خانواده بزرگ را تشکیل دهند. بسیاری از این همسران جمعی، کارگران صرف، همسران کنیز بودند. رسوم بشری تکامل می‌یابد، اما خیلی کند. هدف یک حرمسراساختن یک بدنه قوی و بیشمار از هم تباران هم خون برای حمایت از تخت پادشاهی بود. یک رئیس روزی متقاعد گردید که نباید حرمسرا داشته باشد، و این که باید با یک همسر قانع باشد، لذا فوراً حرمسرای خود را مرخص کرد. همسران ناراضی به منازل خود رفتند، و خویشاوندان آزرده خاطر با خشم به رئیس حمله ور شده و در همان لحظه و در همان جا و از پای درآوردند.

## ۶- تک همسری واقعی — از دواج دو نفره

تک همسری انحصار است. آن برای کسانی که به این وضعیت پسندیده دست می‌یابند خوب است، اما برای کسانی که زیاد خوشبخت نیستند از نظر بیولوژیکی سختی می‌آورد. اما کاملاً صرف نظر از تأثیری که روی فرد دارد، تک همسری بی‌تردید برای فرزندان بهترین حالت است.

قدیمی‌ترین تک همسری به سبب تحمیل شرایط، فقر، بود. تک همسری فرهنگی و اجتماعی، مصنوعی و غیرطبیعی، یعنی غیرطبیعی برای انسان تکاملی است. آن کاملاً برای نودیها و آدمیهای خالص‌تر طبیعی بود و برای تمامی نژادهای پیشرفته ارزش فرهنگی زیادی داشته است.

قبایل کلدانی حق یک زن را برای پیمان بستن پیش از دواج با همسرش مبنی بر نگرفتن یک همسر دوم یا همسر صیغه‌ای به رسمیت می‌شناختند. یونانی‌ها و رومی‌ها هر دو خواستار از دواج تک همسرانه بودند. پرستش نیاکان همیشه تک همسری را رواج داده است، همانند این اشتباه مسیحیت که به از دواج به صورت یک آیین مذهبی نگریسته است. حتی ارتقاء شاخص زندگی به طور ثابت بر علیه همسران جمعی عمل کرده است. تا هنگام ظهور میکائیل در یورنیشیا عملاً تمامی دنیای متمدن به سطح تک همسری تئوریک رسیده بود. اما این تک همسری منفعل به این معنی نبود که نوع بشر به کار از دواج واقعی دو نفره عادت کرده بود.

ضمن دنبال کردن هدف تک همسرانه از دواج ایده‌آل دو نفره، که در مجموع چیزی از یک پیوند تک همسرانه دو جنس است، جامعه نباید وضعیت غیر رشک‌انگیز آن مردان و زنان بدقبال را که نمی‌توانند مکانی در این نظم نوین و بهبود یافته اجتماعی بیابند نادیده انگارد، حتی آنگاه که آنها بیشترین تلاش خود را برای همکاری و ورود به ملزومات آن به عمل می‌آورند. شکست در به دست آوردن یار در عرصه رقابت اجتماعی ممکن است به سبب مشکلات فائق نشدنی یا محدودیتهای فراوان باشد که آداب و رسوم متداول تحمیل کرده‌اند. به راستی، تک همسری برای آنهایی که دست به آن می‌زنند ایده‌آل است، اما برای آنهایی که در سردی وجود تنها ترک شده‌اند باید به طور اجتناب‌ناپذیر سختی ایجاد کند.

همیشه تعداد اندکی بدقبال باید رنج می‌بردند تا اکثریت تحت آداب و رسوم در حال توسعه تمدن در حال تکامل پیشرفت کنند. اما همیشه اکثریت مورد التفات باید به هم نوعان کمتر خوش اقبال خود که باید بهای شکست در دستیابی به عضویت در صفوف آن شراکتهای جنسی ایده‌آل که ارضای تمامی امیال بیولوژیک را تحت پذیرش بالاترین آداب و رسوم تکامل اجتماعی در حال پیشرفت می‌دهد، می‌پردازد، با مهربانی و ملاحظه بنگرند.

تک همسری همیشه هدف ایده‌آل تکامل جنسی بشری بوده، هست و تاابد خواهد بود. این آرمان از دواج واقعی دوتایی مستلزم از خود گذشتگی است، و از این رو اغلب به این دلیل شکست می‌خورد، که یک یا هر دو طرف قرارداد در آن نقطه اوج تمامی خوبیهای بشری، کنترل خود ناهموار، کمبود دارند.

تک همسری آن ملاکی است که پیشرفت تمدن اجتماعی را آنطور که از تکامل صرفاً بیولوژیک متمایز است اندازه می‌گیرد. تک همسری لزوماً بیولوژیک یا طبیعی نیست، اما برای حفظ فوری و توسعه بیشتر تمدن اجتماعی ضروری است. آن به یک لطافت احساس، یک پالایش سیرت اخلاقی و یک رشد معنوی که به کلی در چند همسری غیرممکن است کمک می‌کند. یک زن هنگامی که برای مهر و عاطفه شوهر خود پیوسته مجبور است درگیر رقابت شود هرگز نمی‌تواند یک مادر ایده‌آل شود.

ازدواج دوتایی به آن فهم صمیمانه و همکاری مؤثر که برای شادمانی پدر و مادر، رفاه فرزند و کارآیی اجتماعی بهترین است کمک می‌کند و آن را شکوفایی سازد. ازدواج که در اجبار عریان آغاز شد، دارد به تدریج به شکل یک نهاد شکوهمندی از تربیت خود، کنترل خود، ابراز خود و تداوم خود تکامل می‌یابد.

## ۷- انحلال پیوند ناشویی

در تکامل اولیه آداب و رسوم ازدواج، ازدواج یک پیوند ناپایدار بود که می‌توانست در هر لحظه طبق میل فرد خاتمه یابد، و فرزندان همیشه مادر را دنبال می‌کردند. پیوند مادری - فرزندی ذاتی است و صرف نظر از مرحله توسعه آداب و رسوم عمل کرده است.

در میان مردمان بدوی فقط نیمی از ازدواجها رضایت بخش بود. مکررترین علت جدایی نازایی بود، که همیشه تقصیر آن به گردن زنان گذاشته می‌شد، و اعتقاد بر این بود که زنان بدون فرزند در دنیای روح مار می‌شوند. تحت آداب و رسوم بدوی تر، تنها مرد حق طلاق داشت، و این ملاکها تا قرن بیستم در میان برخی مردمان تداوم یافته‌اند.

به تدریج که آداب و رسوم تکامل یافت، برخی قبایل دو شکل از ازدواج را به وجود آوردند: ازدواج معمولی، که طلاق را مجاز می‌شمرد، و ازدواج کاهن که اجازه جدایی نمی‌داد. آغاز دوران خرید همسر و مهریه همسر، کار زیادی برای کاهش جدایی، از طریق عرضه یک مجازات مالی برای شکست در ازدواج، انجام داد. و به راستی بسیاری از پیوندهای امروزی از طریق این عامل باستانی مالی ثابت یافته‌اند.

فشار اجتماعی موقعیت اجتماعی و امتیازات مالی در حفظ تابوها و آداب و رسوم ازدواج همیشه قدرتمند بوده است. طی اعصار ازدواج پیشرفت‌ی مداوم داشته است و به رغم این که از طریق نارضایتی گسترده در میان آن مردمانی که انتخاب فردی - یک آزادی جدید - بسیار مورد باور است، به طور تهدیدآمیز مورد تهاجم قرار می‌گیرد، در دنیای امروزی روی زمین پیشرفته‌ای ایستاده است. در حالی که این دگرگونی‌های تطبیقی در نتیجه تکامل به ناگهان شتاب یافته اجتماعی در میان نژادهای پیشرفته تر ظاهر می‌شود، در میان مردمان کمتر پیشرفته ازدواج تحت هدایت آداب و رسوم قدیمی تر به شکوفایی ادامه می‌دهد و به کندی بهبود می‌یابد.

جانشینی جدید و ناگهانی انگیزه ایده‌آل ترا اما بسیار فرد گرایانه عشق در ازدواج به جای انگیزه قدیمی تر و ریشه دار مالکیت به طور اجتناب ناپذیر موجب شده است که نهاد ازدواج به طور موقت بی‌ثبات شود. انگیزه‌های مرد برای ازدواج همیشه از اخلاقیات واقعی ازدواج فراتر رفته است، و در قرون نوزدهم و بیستم ایده‌آل غربی ازدواج به طور ناگهانی بسیار از انگیزه‌های جنسی خود محورانه اما بخشاً کنترل شده نژادها پیشی گرفته است. وجود تعداد زیادی از اشخاص ازدواج نکرده در هر جامعه نشان دهنده فروپاشی موقت یا تحول آداب و رسوم می‌باشد.

آزمون واقعی ازدواج، طی اعصار، آن صمیمیت مداوم بوده است که در تمام زندگی خانوادگی گریز ناپذیر است. دو جوان ناز پرورده و نثر که یاد گرفته‌اند هر گونه زیاده روی و ارضاء کامل غرور و خودخواهی را انتظار داشته باشند به سختی می‌توانند در ازدواج و ساختن خانه و کاشانه - یک شراکت تمام عمر مبتنی بر فروتنی،

مدارا، از خود گذشتگی و وقف فداکارانه به تربیت فرزند—موفقیت زیادی داشته باشند. درجه بالای خیال پردازی و رابطه خیالی عشقی که وارد دوران نامزدی شده است به اندازه زیاد مسئول افزایش تمایل طلاق در میان مردمان امروزی غربی می باشد، و این تماماً به وسیله آزادی بیشتر شخصی زن و آزادی افزایش یافته اقتصادی او هر چه بیشتر پیچیده شده است. طلاق آسان، هنگامی که نتیجه فقدان کنترل خود یاناتوانی در تعدیل نرمال شخصیت باشد، فقط مستقیماً به آن عرصه های ابتدایی اجتماعی می انجامد که انسان به تازگی از آن بیرون آمده است و به اندوه شخصی زیاد و رنج نژادی می انجامد.

امادرس تازمانی که جامعه نمی تواند بچه ها و جوانان را به طور صحیح آموزش دهد، تا هنگامی که نظم اجتماعی قادر نیست آموزش مکفی پیش از ازدواج فراهم سازد، و تازمانی که خیال پردازی نابخردانه و نارس دوران جوانی میانجی ورود به ازدواج باشد، درست به همان اندازه طلاق رایج باقی خواهد ماند. و تا جایی که گروه اجتماعی در فراهم نمودن آمادگی ازدواج برای جوانان کوتاهی نماید، به همان اندازه طلاق باید به عنوان یک سوپاپ اطمینان اجتماعی عمل نماید که باز از وضعیتهای بدتر در طول اعصار رشد سریع آداب و رسوم در حال تکامل جلوگیری می نماید.

چنین به نظر می رسد که مردم دوران باستان به اندازه برخی مردم امروزه ازدواج را جدی تلقی می کردند. و به نظر نمی رسد که بسیاری از ازدواجهای عجولانه و ناموفق ایام اخیر نسبت به رسوم باستانی واجد شرایط دانستن مردان و زنان جوان برای زناشویی چندان پیشرفتی محسوب شوند. تناقض بزرگ جامعه امروزه این است که عشق را می ستاید و ازدواج را ایده آل می شمرد ضمن این که بررسی کامل هر دو را مردود می شناسد.

## ۸- ایده آل کردن ازدواج

ازدواج که به خانه و زندگی منجر می شود، به راستی ستوده ترین نهاد انسان است، اما آن اساساً بشری است. آن هرگز نباید یک رسم دینی نامیده می شده است. کاهنان شیئی ازدواج را یک آیین مذهبی ساختند. اما برای هزاران سال بعد از عدن، زناشویی به عنوان یک نهاد صرفاً اجتماعی و مدنی تداوم یافت.

همانند پنداشتن پیوندهای بشری با پیوندهای الهی بسیار تأسف آور است. پیوند شوهر و زن در رابطه ازدواج - خانه یک کارکرد مادی انسانهای کرات تکاملی است. این حقیقت دارد، به راستی ممکن است پیشرفت معنوی زیادی به دنبال تلاشهای خالصانه بشری شوهر و زن برای پیشرفت حاصل شود، اما این به این معنی نیست که ازدواج لزوماً مقدس است. پیشرفت معنوی ملازم با کاربرد خالصانه سایر مسیرهای تلاش بشری است.

ازدواج نیز به راستی نمی تواند با رابطه تنظیم کننده با انسان و یا با برادری میکائیل مسیح و برادران بشری او مقایسه شود. چنین روابطی در هر نقطه به سختی با پیوند شوهر و همسر قابل مقایسه هستند. و این بسیار تأسف آور است که سوء فهم بشری از این روابط ابهام زیادی در رابطه با منزلت ازدواج به وجود آورده است.

این همچنین تأسف آور است که برداشت برخی از گروههای انسانی از ازدواج چنین است که آن به وسیله عمل الهی تکمیل می شود. این اعتقادات مستقیماً به مفهوم انحلال ناپذیری وضعیت ازدواج صرف نظر از شرایط یا خواسته های طرفین قرارداد می انجامد. اما صرف واقعیت انحلال ازدواج خود نمایانگر این است که الوهیت یک طرف وصل کننده چنین پیوندهایی نیست. اگر خداوند روزی هر دو چیز یا شخص را به هم پیوند داده است، آنها بدین صورت پیوند خورده با هم باقی می مانند تا این که روزی خواست الهی جدایی آنها را مقرر دارد. اما در رابطه با ازدواج، که یک نهاد بشری است، چه کسی باید داوری را به عهده گیرد و بگوید چه ازدواج هایی، در مقایسه با آنهایی که صرفاً طبیعت و منشأ بشری دارند، پیوندهایی هستند که ممکن است به وسیله سرپرستان جهان مورد تأیید قرار گیرند؟

با این وجود، پنداری آرمان‌گرایانه از ازدواج در کرات بالا وجود دارد. در پایتخت هر سیستم محلی پسران و دختران ماتریال‌خداوند اوج کمال مطلوب از پیوند مرد و زن در وصلت‌های زناشویی و به مقصود تولید مثل و تربیت فرزندان را به نمایش می‌گذارند. در کلام آخر، ازدواج ایده‌آل انسانی *از نظر بشری مقدس* است.

ازدواج همیشه بالاترین رویای آرمانی گذرای انسان بوده و هنوز می‌باشد. اگر چه این رویای زیبا به ندرت در تمامیت آن تحقق می‌یابد، به عنوان یک ایده‌آل شکوهمند تداوم دارد، و نوع بشر در حال پیشرفت را برای شادی بشری پیوسته به تلاش بیشتر جلب می‌کند. اما به مردان و زنان جوان، پیش از آن که در مطالبات سنگین روابط متقابل زندگی خانوادگی غوطه‌ور شوند، باید تا اندازه‌ای از واقعیت‌های ازدواج آموزش داده شود. آرمان‌گرایی جوانی باید با درجه‌ای از توهم زدایی پیش از ازدواج استحکام یابد.

با این وجود، از آرمان‌گرایی جوانی برای ازدواج نباید ممانعت شود. این رویاها تجسم هدف آینده زندگی خانوادگی هستند. این طرز برخورد هم‌انگیزاننده و هم‌کمک‌کننده است، به شرطی که یک عدم حساسیت نسبت به تحقق الزامات عملی و عادی ازدواج و زندگی متعاقب خانوادگی ایجاد نکند.

آرمان‌های ازدواج در روزگاران اخیر پیشرفت زیادی داشته‌اند. در میان برخی مردمان زن عملاً از حقوق برابری با شوهر خود برخوردار است. حداقل در مفهوم، خانواده در حال تبدیل شدن به یک مشارکت وفادارانه برای به وجود آوردن فرزندان است که با پاکدامنی جنسی توأم است. اما حتی نیازی نیست که این نوع جدیدتر ازدواج به چنان حد افراطی چرخش کند که انحصار متقابل تمامی شخصیت و فردیت را اعطا کند. ازدواج فقط یک ایده‌آل فردی نیست. آن شراکت اجتماعی در حال تکامل یک مرد و یک زن است که تحت آداب و رسوم جاری وجود دارد و عمل می‌کند، توسط تابوها محدود می‌شود، و به وسیله قوانین و مقررات جامعه به مورد اجرا گذارده می‌شود.

ازدواج‌های قرن بیستم در مقایسه با ازدواج‌های اعصار گذشته در سطح بالایی قرار دارند. با این وجود، به دلیل مشکلاتی که به وسیله افزایش شتاب‌آمیز آزادی‌های زن — حقوقی که در تکامل کند آداب و رسوم نسل‌های گذشته از او دریغ شده بود — به طور ناگهانی به سازمان اجتماعی تحمیل شده است، نهاد خانه اکنون تحت یک آزمایش جدی قرار دارد.

[عرضه شده توسط رئیس فرشتگان سراف که در بورن‌شیا ساکن است.]